

مرد ۲ زنه قتل همسرش را پذیرفت

آخرین مهمانی!



او خواستم ساعت ۵ بامداد برای بردن جسد به خانه بیاید اما آن روز صبح وقتی حسن به آرامی وارد خانه شد همسر را دید که کنار درنزد خوابیده است. با ناراحتی به من گفت: «تو که کاری نکردی!» گفتم: پسر کوچکم در کنار مادرش خوابیده بودو اگر او را می کشتم،

بیدار می شدو این صحنه در خاطرش باقی می ماند! به همین دلیل منصرف شدم. متهم این پرونده جنایی ادامه داد: بالاخره این فرصت هنگامی در اواخر تیر ماه سال گذشته فراهم شد که من و الهام به مهمانی خانوادگی یکی از بستگان در شهر جدید گلپهار دعوت شدیم. آن شب وقتی از مهمانی به خانه همسر دومم در بولوار میرزا کوچک خان باز گشتیم، زمان را برای قتل او مناسب دیدم. خیلی با او گرم گرفتم و عشق ورزیدم. پودر قرص های خواب او را که از قبل تهیه کرده بودم درون شربت پرتقال ریختم و به او دادم. آن شب پسر کوچکم را در پذیرایی خوابانیدیم و خودمان به اتاق خواب رفتیم. هنگامی که همسر م به خاطر نوشیدن شربت به خواب عمیقی فرو رفت من بلافاصله از درون خودرو «طناب بازی کوتاه شده» را برداشتم و از پشت سر دور گردن او انداختم. همسر م در همین حال چشمانش را باز کرد و آخرین نگاه ما بعد از آخرین مهمانی به یکدیگر گره خورد اما دیگر تصمیم خودم را گرفته بودم. دسته های طناب را کشیدم تا این که او جان داد و پیکرش از روی تخت به زمین افتاد. پس از آن منتظر «حسن» ماندم که او هم سر ساعت رسید. در حالی که کیسه ای را با خود آورده بود. دست و پاهای پیکر بی جان همسر م را با طناب بستیم و جسد را با هم درون کیسه گذاشتیم و با آسانسور به داخل محوطه بردیم و در صندوق عقب خودروی سمند «حسن» قرار دادیم. پسر عمه ام به من گفته بود که مبالغی پول به دوستانش می دهد تا جسد را به سمت قوچان ببرند. البته آن روز لباس ها، لوازم و حتی «طناب بازی» را هم کنار جسد درون یک کیسه انداختیم

سید خلیل سجاد پور – مرد دوز نه ای که در پی بروز اختلافات خانوادگی، همسر دوش را به قتل رسانده بود، در حالی زوایای پنهان این جنایت وحشتناک را افاش کرد که تاکنون مدعی بود، پسر عمه اش دست به ارتکاب این قتل زده است.

زندگی ام به خطر ازواج دوم به هم ریخته بود. همسر دوم سر خود عمل می کرد و هیچ توجهی به نصیحت های من نداشت. با آن که پسر ی خردسال داشتم و همسر اولم نیز از این ماجرا به شدت ناراحت و ناراضی بود اما باز هم «الهام» (همسر دوم) به حرفم گوش نمی داد و بدون اجازه من بیرون می رفت تا این که... به گزارش اختصاصی خراسان، این هابخشی از اعتراضات مرد ۴۳ ساله ای است که مدعی بود پس از قتل همسرش، بیش از ۳۰۰ میلیون تومان برای از بین بردن جسد او هزینه کرده است اما نمی دانست پسر عمه اش که سرایدار یک مرکز آموزشی در کوی فدک مشهد بود، جسد او را درون چاه فاضلاب انداخته است! «محمد-ط» (متهم این پرونده جنایی) که تاکنون مدعی بود «حسن» (سرایدار ۴۴ ساله) با گرفتن پول و طلا همسرش را خفه

متهم هنگام تشریح جنایت در حضور قاضی عارفی راد



به همین دلیل من کلیدیدکی خانه ای را که همسر م در آن ساکن بود به «حسن» دادم و از

تغییر فاز آواربرداری در یازدهمین روز حادثه متروپل

استاندار خوزستان وعده داد که در صورت پیداشدن همه مفقودشدگان آواربرداری کلی متروپل به زودی آغاز می شود



دبروز نماینده تام الاختیار کارگاه سازندگی خاتم الانبیا هم در پروژه متروپل با اشاره به نهایی شدن تخریب بقایای ساختمان گفت: این عملیات حدود سه ماه زمان می برد البته اگر شرایط و امکان تردد ماشین آلات سنگین فراهم شود به طور قطع می توانیم این عملیات را زودتر به پایان برسانیم. مصطفی متدین با بیان این که چند گزینه برای روش تخریب متروپل مطرح است، ادامه داد: انفجار سازه

۷۰ میلیارد تومان برای کمک به آسیب دیدگان متروپل

طی روزهای گذشته برخی گزارش ها از رسانه های مختلف و گزارش رسالی خبرنگار آخرین

خبر حکایت از آن داشت که برخی مالکان و ساکنان خانه های اطراف متروپل همچنان محل مناسبی برای سکونت و اشتغال ندارند. در حالی که سخنگوی دولت در پاسخ به پرسشی به خبرنگار خراسان درباره روند نظر گرفته شده از سوی دولت برای آسیب دیدگان گفت: دولت فعلا مبلغ ۷۰۰ میلیارد ریال، مطابق پیشنهادی که شده بود در نظر گرفت چنان چه هزینه بیشتری نیاز باشد طی پیشنهادهای بعدی ممکن است مطرح شود. البته یادآوری می کنم که هزینه های ناشی از این واقعه از سوی مسیبان اصلی آن باید محاسبه و پس از رسیدگی از اموال آنان تامین شود.

توقیف اموال مالک متروپل

محمد مخبر معاون اول رئیس جمهور در حاشیه جلسه هیئت دولت، در جمع خبرنگاران در خصوص جبران خسارت آسیب دیدگان حادثه متروپل گفت: برنامه هایی در دولت در حال انجام است. اموال مالک توقیف شده است تا از محل آن، برخی خسارت ها جبران شود. هر چند که جان آدم ها قابل جبران نیست. او افزود: دولت تمام امکانات خود را در این حادثه بسیج کرده است و این اصلا قابل قیاس با تجهیزاتی که برای پلاسکو به کار گرفته شد، نیست.

داد: این دو محکوم منتظر اجرای حکم قصاص بودند که در اجرای گسترش و ترویج فرهنگ مذکور و اصلاح ذات البین و با بهره گیری از ظرفیت صلح و سازش ریش سفیدان و سران طوایف و در پی برگزاری جلسات متعدد صلح و سازش، خوشبختانه اولیای دم با استناد به عفو و رأفت اسلامی و در قالب پویش «به حرمت علی می بخشم» رضایت خود را اعلام کردند و به این زندانیان، حیاتی دوباره بخشیدند. وی خاطر نشان کرد: با گذشت اولیای دم، اختلاف و درگیری بین دو طایفه که منجر به چندین فقره قتل شده بود، پایان یافت و این دو طایفه پس از گذشت ۲۰ سال به صلح و سازش رسیدند.

قاضی حسین سلامی افزود: بعد از پنج سال روز چهارشنبه در هنگام اجرای حکم و با گذشت بدون قید و شرط اولیای دم، محکوم از قصاص هائی یافت. وی ادامه داد: با برگزاری چندین جلسه صلح و سازش و با اربانی های انجام گرفته بالاخره در زمان اجرای حکم، رضایت اولیای دم حاصل شد. بنابر این گزارش بر رئیس دادگستری شهرستان رودبار جنوب هم با بیان این که پویش «به حرمت علی می بخشم» منجر به صلح و سازش بین دو طایفه بزرگ در جنوب استان کرمان شده است، افزود: در این زمینه دو محکوم به قصاص پس از ۱۷ سال از مجازات اعدام هائی یافتند. محمدفرجام طاهری ادامه

گذشت پای چوبه دار

تو کلی – سه محکوم به قصاص پس از ۵ و ۱۷ سال از مجازات اعدام هائی یافتند. به گزارش خراسان، جوان ۲۲ ساله محکوم به قصاص در حیرت در لحظات آخر با گذشت اولیای دم کنار چوبه دار بخشیده شد. دادستان عمومی و انقلاب شهرستان جیرفت استان کرمان گفت: زندانی مزبور در خرداد سال ۱۳۹۶ به دلیل اختلافات خانوادگی مرتکب قتل شده بود که در تیر ماه همان سال دستگیر

تخریب بقایای ساختمان متروپل حدود ۳ ماه زمان می برد

در امتداد تاریکی

دختر ایدزی که کارتن خواب شد!

خودم هم نفهمیدم که چگونه در روز جشن تولدم به بیماری ایدز مبتلا شدم و بعد از آن وقتی فهمیدم چند سال بیشتر زنده نیستم روحیه ام را از دست دادم و به معتادی کارتن خواب تبدیل شدم به گونه ای که...

به گزارش خراسان، دختر ۲۴ ساله با بیان این که نمی دانم چند ماه دیگر به پایان عمرم باقی مانده است درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد توضیح داد: دو سال بیشتر نداشتم که پدرم را در یک سانحه رانندگی از دست دادم و از آن روز به بعد مادر م به تنهایی سرپرستی ما را به عهده گرفت. او در یک شرکت تولیدی قطعات خودرو کاری کرد تا هزینه های زندگی را تامین کند اما شب ها که از سر کار به منزل بازمی گشت، دوستانش به خانه ما می آمدند و دوره می قلیان کشی به راه می انداختند. در این میان شوهر یکی از دوستان صمیمی مادر م معتاد به مواد مخدر صنعتی بود و زندگی آشفته ای داشت و عصمت خانم نیز مانند دیگران هر شب نزد مادر م آمد و در حال کشیدن قلیان درددل می کرد. او از سختی ها و مشکلاتش درباره زندگی با یک مرد معتاد سخن می گفت. من هم در گوشه ای می نشستیم و به حرف های او گوش می دادم به طوری که خیلی دلم برایش می سوخت و لی کاری از دستم بر نمی آمد. خلاصه او صمیمی ترین دوست مادر م شده بود و در همه مراسم ما شرکت می کرد تا این که من به ۲۰ سالگی رسیدم و مادر م جشن تولد کوچکی برایم گرفت. آن روز عصمت خانم هم طبق معمول در جشن شرکت کرد و من در میان لهله و شادی دیگران وقتی قصد داشتم کیک جشن تولد را برش بزنم ناگهان بر اثر سهل انگاری انگشتنم را بریدم به طوری که خون زیادی از آن جاری شد. مادر م که نگران شده بود مرا به درمانگاه نزدیک منزل مان بر دتا انگشتنم را بخیه بزنند. عصمت خانم هم طاققت نیاورد و به همراه ما آمد اما دست او هم بر اثر عجله و استرس با تیغ جراحی که روی میز بود بریده شد و من بلافاصله به کمک او رفتم تا گاز بانسمان را روی دستش بگذارم. خلاصه آن روز به خانه باز گشتیم اما مدتی بعد تب و خستگی مفرط و ناراحتی پوستی هم را به خار شرمی سراغم آمد.

مادر م من از د بسیاری از پزشکان متخصص برد و انواع و اقسام داروهارا استفاده کردم و آزمایش های مختلفی دادم اما هیچ فایده ای نداشت تا این که یک روز یکی از پزشکان توصیه کرد از غدد لنفاوی عکس بگیرم. وقتی آن عکس را از رادیولوژی گرفتم و به پزشک متخصص نشان دادم، دیگر دنیا برایم تیره و تار شد چرا که آن پزشک بیماری ایدز را تشخیص داده بود. مادر م ابتدا فکر می کرد با کسی در ارتباط بوده و این بیماری مبتلا شده ام به همین دلیل خیلی مرا سرزنش می کرد و تهمت های ناروای زدن تا این که بالاخره با معاینات پزشکی مشخص شد من با هیچ کسی ارتباط غیر اخلاقی نداشته ام. در همین زمان بود که عصمت خانم (دوست مادر م) به طور ناگهانی فوت کرد و پزشکان علت مرگ او را بیماری ایدز تشخیص دادند. تازه فهمیدم که من روز تولدم و از طریق خون آلوده او به این بیماری صعب العلاج مبتلا شده ام. دیگر زندگی برایم معنی نداشت و شب و روز در خواب بودم. من که روزی شاگرد اول مدرسه بودم در دانشگاه هم پذیرفته نشدم و همه انگیزه و روحیه ام را از دست دادم. از شدت افسردگی دو بار دست به خودکشی زدم ولی مادر م متوجه شد و مرا به بیمارستان رساند. باور نمی شد فقط چند سال زنده هستم! به همین بزرگ سیل و دانش زمین در فرار کردم و بر اثر معاشرت با معتادان و کارتن خواب ها به مصرف مواد مخدر روی آوردم. بعد از این ماجرا دیگر به یک معتاد شیشه ای تبدیل شدم و در خیابان هارو گار می گذراندم تا...

گزارش خراسان حاکی است، بررسی های کارشناسان دایره مددکاری اجتماعی با صدور دستور از سوی سرگرد جواد یعقوبی (رئیس کلانتری طبرسی شمالی) درباره ادعاهای این دختر معتاد آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

عکس ها: اختصاصی خراسان



شب وقتی از مهمانی به خانه باز گشتیم، پودر قرص های خواب او را در شربت پرتقال ریختم و...

کنم بنابر این منصرف شدم و به فکر آن افتادم که جسد را درون چاه فاضلاب بیندازم! چرا که یک روز از قتل گذشته و جسد در هوای گرم داخل صندوق عقب خودرو بود. بی درنگ به سراغ شرکت های تخلیه فاضلاب رفتم و فاضلاب مرکز آموزشی را تخلیه کردم. سپس مقداری نخاله درون چاه ریختم و جسد را با همان وضعیت با دست و پای بسته درون چاه انداختم. بعد هم دوباره خاک ها را روی آن ریختم و سر چاه را سیمان کردم تا کسی متوجه نشود اما مناسفانه نمی دانم چگونه کار آگاهان به این ماجرا پی برند و به سراغ من آیند!

سابقه خبر

گزارش اختصاصی خراسان حاکی است،

اواخر اردیبهشت گذشته،

قاضی ویژه قتل عمد پس از مطالعه گزارش های یک پرونده مشکوک به جنایت، بلافاصله دستور دستگیری مرد ۴۳ ساله ای را صادر کرد که ادعا کرده بود همسرش از تیر ماه سال گذشته مفقود شده است. به همین دلیل گروهی از کارآگاهان اداره جنایی آگاهی به سرپرستی سروان آرمن منفرد (افسر پرونده) این مرد را دستگیر و به پلیس آگاهی هدایت کردند. بازجویی ها با نظارت سرهنگ مهدی سلطانیان (رئیس اداره جنایی) و دستورات محرمانه قاضی ویژه قتل عمد آغاز شد تا این که وی به قتل همسر دوشم باهمدستی «حسن» اعتراف کرد. بنابر گزارش خراسان، این گونه بود که با دستگیری «حسن» و اعترافات وی، جسد زن ۳۵ ساله نیز با تلاش خستگی ناپذیر ۶ ساعته امدادگران زحمتکش آتش نشانی مشهد درون چاه فاضلاب مرکز آموزشی در کوی فدک مشهد بیرون کشیده شد.

باران های ویرانگر

باعث مرگ ۱۰۰ نفر در برزیل شد

باران های سیل آسا و رانش گل در نزدیکی شهر رسیف در شمال شرقی برزیل صد کشته به جا گذاشته است. این بارندگی ها عمدتاً بر محلات فقیرنشین و حلبی آبادها اثر گذاشته و امدادگران در جست وجوی مفقودشدگان هستند. به گزارش بی بی سی، مطالعه ای که در سال ۲۰۱۷ در نشریه خطر طبیعی منتشر شده بود، افزایش بزرگ سیل و رانش زمین در برزیل به دلیل تغییر اقلیم را پیش بینی می کرد. حدود ۱۲۰۰ امدادگر با کمک قایق و هلی کوپتر در استان پرنامبوکو، محل فاجعه، مستقر شدند. در یک سال اخیر سیل و رانش مرگبار زمین جان صدها نفر را در برزیل گرفته است. کارشناسان «هوا» بدامسال را به پدیده آب و هوایی «لانیئا» نسبت می دهند که از اقیانوس آرام نشئت می گیرد و می تواند بر همه مناطق جهان اثر بگذارد. سیل عوامل متعددی دارد اما گرم تر شدن اتمسفر زمین به دلیل تغییر اقلیم بارندگی بسیار شدید را محتمل تر کرده است.

منافقه عمومی

تهیه و اجرای بخشی از عملیات تکمیلی تاسیسات مکانیکی و برقی پروژه هتل بهار آستان قدس رضوی



آستان قدس رضوی در نظر دارد تهیه و اجرای بخشی از عملیات تکمیلی تاسیسات مکانیکی و برقی پروژه هتل بهار از طریق مناقصه عمومی و اگدار نماید. آستان قدس رضوی لذا از کلیه متقاضیان واجد شرایط که دارای رزومه مرتبط می باشند، دعوت می نماید جهت دریافت اسناد مناقصه و بازدید از پروژه حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۷/۰۳/۱۴ به محل پروژه هتل بهار به نشانی مشهد خیابان شیرازی، شیرازی ۲/۱ پروژه هتل بهار مراجعه و با شماره ۰۵۱۳۲۲۲۸۲۲۲ تماس حاصل نمایند.

ضمناً هزینه چاپ آگهی در روزنامه ها بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.